

فصلنامه راهبرد سیاسی
سال پنجم، شماره ۴، پیاپی ۱۹، زمستان ۱۴۰۰
صفحات: ۱۹۷-۲۲۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۲؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۱/۱۳
نوع مقاله: پژوهشی

سنجش و تحلیل رابطه بین هویت و اعتماد سیاسی: مطالعه موردی کرمانشاه

خلیل اله سردارنیا* / کوروش بدری**

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی و تحلیل رابطه بین چند گونه مهم هویتی با اعتماد سیاسی است. این پژوهش با روش پیمایشی و تکنیک پرسش‌نامه‌ای با حجم ۲۳۰ نفر از شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرمانشاه انجام شده است. داده‌ها با نرم‌افزار SPSS و AMOS به صورت آماری استنباطی با روش‌های همبستگی پیرسون، رگرسیون و معادلات ساختاری (تحلیل مسیر) تحلیل شده‌اند. پرسش اصلی پژوهش این است که چه رابطه‌ای بین هویت‌های ملی و دینی (از نوع هویت‌های مشروعیت بخش) و هویت‌های قومی و مجازی در شبکه‌های اجتماعی (از نوع مقاومتی-اعتراضی) با اعتماد سیاسی پاسخگویان به حکومت، نهادها و مقامات حکومتی وجود دارد؟ یافته‌های کلی این مطالعه نشان می‌دهد که بین هویت‌های قومی و مجازی با اعتماد سیاسی رابطه منفی و معنادار وجود دارد و بین هویت‌های ملی، دینی و خانوادگی با اعتماد سیاسی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بر اساس داده‌ها، متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته یعنی اعتماد سیاسی در سطح نظام سیاسی در حد ۴۵ درصد، نهادهای سیاسی ۳۹ درصد و مقامات یا کنشگران سیاسی ۱۹ درصد، نقش داشته‌اند. بنابراین تمام فرضیه‌های پنجگانه تحقیق تایید شدند. بر اساس نتایج و یافته‌های آماری می‌توان گفت که نظریه‌های استفاده شده همچون نظریه‌های نهادگرایی، توسعه نامتوازن و محرومیت نسبی در سنجش رابطه یا همبستگی منفی بین هویت‌های قومی (در آماره پیرسون) و هویت‌های مجازی در شبکه‌های اجتماعی (در آماره‌های پیرسون و معادلات ساختاری در شکل تحلیل مسیر) تایید گردیدند. در ضمن، یافته‌های این مطالعه در همبستگی منفی دو هویت مقاومتی-اعتراضی یاد شده با نتایج چند مطالعه در مورد کردها یا غیر کردها همسو بود.

کلید واژه‌ها

هویت ملی، هویت دینی، هویت قومی، هویت مجازی، اعتماد سیاسی، هویت مقاومتی، کرمانشاه.

kh_sardarnia@yahoo.com

* استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)
* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی از دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

مقدمه

هیچ هویت منجر به تشخیص و شناسایی عاملان به دیگران در سطوح فردی، گروهی، جمعی، ملی و امروزه جهان وطنانه از یک سو و در سطوح اجتماعی، مذهبی، قومی، طبقاتی و فکری-ایدئولوژیک از سوی دیگر می شود. در چند دهه اخیر هویت و هویت یابی به مثابه یکی از مهمترین منابع انسجام، وفاق درونی، بسیج و کنش جمعی عمل کرده است. عواملی همچون فناوری های نوین ارتباطی و شبکه های اجتماعی، اشاعه اطلاعات، اثرات سرایتی اعتراضات هویتی به قلمروهای دیگر، دگردیسی های فکری، نگرشی و نسلی در کنشگران و هواداران، نارضایتی ها و تبعیض های سیاسی، اقتصادی، مذهبی، قومی در سیاسی تر شدن هویتها، شکل گیری و گسترش جنبش ها یا کنش های جمعی هویت بنیاد تاثیرگذار بوده اند. عوامل و تحولات یاد شده به ویژه در بستر شبکه های اجتماعی اینترنتی سبب شده اند که ما با تکرر بسیار بالای هویت ها، هویت یابی، اعتراضات سیاسی- اجتماعی هویت بنیاد و ظهور جنبش های اجتماعی فراگیر برای تحقق اهداف یا پاسخگو سازی ساختارهای قدرت و حکومتها مواجه باشیم. امروزه سیال بودگی، تکرر، شبکه ای بودن و هویت یابی و سیاسی تر شدن هویت های گوناگون اجتماعی به یکی از مهمترین چالش های حکومتها تبدیل شده است. به همین خاطر است که ناپاسخگویی حکومتها به مطالبات و خواسته های کنشگران هویتی و عدم شریک سازی آنها در قدرت سیاسی و تصمیم گیری ها می تواند به شکل گیری هویت های «مقاومتی- تدافعی» و حتی «هویت های برنامه ای» برای تشکیل حکومت جدید یا حکمرانی محلی در مقابل «هویت های مشروعیت بخش» رسمی و حکومتی بینجامد و به اعتماد سیاسی به شدت آسیب زده و به بحران اعتماد و مشروعیت بینجامد.

اعتماد به مثابه هسته محوری یا جوهره سرمایه اجتماعی است که مولفه های بیرونی آن را شبکه های اجتماعی و داوطلبانه مدنی، مشارکت و همکاری ها در درون و بین این شبکه ها تشکیل می دهند. اعتماد سیاسی یکی از مولفه ها یا نشانگان مهم مشروعیت سیاسی است و به باور، اطمینان و اعتماد مردم یا شهروندان به حکومت، نهادهای حکومتی و مسئولان یا مدیران اطلاق می شود. در عصر حاضر که عصر انفجار اطلاعات و دهکده جهانی نام گرفته و شهروندان به شدت از آگاهی های سیاسی و اجتماعی برخوردارند، حکومتها به شدت با چالشها و اضافه بار تقاضاها و نقدهای شهروندان مواجه شده اند. در صورت عدم تحقق یا عدم پاسخ مطلوب حکومت به خواسته ها و مطالبات به مشروعیت سیاسی و اعتماد شهروندان به حکومت و مدیران آسیب وارد می شود و احتمالاً به نافرمانی مدنی و جنبش ها یا اعتراضات جمعی می انجامد.

دو متغیر هویت اجتماعی و اعتماد سیاسی از مفاهیم مهم جامعه‌شناسی سیاسی و علوم اجتماعی هستند که مطالعات گسترده کمی و کیفی در مورد این مفاهیم از منظرهای گوناگون و در قلمروهای مکانی و جغرافیایی متفاوت انجام شده است. در بستر زندگی اجتماعی، فرد هویت‌های مختلف اجتماعی به صورت انتسابی یا اکتسابی کسب می‌کند و میزان تعلق متفاوتی نسبت به هر کدام از این هویت‌ها دارد که این مسئله می‌تواند به کاهش یا افزایش اعتماد سیاسی در یک کشور منجر شود. با سنجش تأثیر این نوع هویت‌ها بر اعتماد سیاسی می‌توان درک درست‌تری نسبت به آنها پیدا کرد و برای بهبود سرمایه اجتماعی و سیاسی در آن کشور راهکارهای مناسب اعمال کرد. در جامعه ایران نیز، دو مفهوم هویت و اعتماد سیاسی در کنار مفاهیم دیگر در پژوهش‌های آکادمیک و دانشگاهی علوم اجتماعی و سیاسی به شکل فزاینده مورد توجه واقع شده اند.

در این پژوهش تلاش شده است با روش پیمایشی، رابطه بین ابعاد گوناگون هویت اجتماعی (خانوادگی، مذهبی، قومی، ملی و مجازی) با اعتماد سیاسی سنجیده شود. برای نوآوری و تحلیلی تر شدن نوشتار تلاش شده است که این رابطه در چارچوب نظریه کاستلز (با تقسیم بندی به مشروعیت بخش و مقاومتی) و رویکرد های نظری همچون نظریه های دیوید ایستون و برتر در مورد اعتماد سیاسی و نظریه های نهادگرا، توسعه نامتوازن و محرومیت نسبی سنجیده شود.

پیشینه پژوهش:

برگ و هرم در بررسی خود با عنوان «هویت ملی و اعتماد سیاسی» (۲۰۱۰)، در ارتباط با تأثیر دو شکل از هویت ملی جمعی (قومی و مدنی) بر اعتماد سیاسی فردی در ۱۸ کشور اروپایی به این یافته می‌رسند که هویت ملی و مدنی قوی تأثیر مثبتی بر اعتماد سیاسی دارد در حالی که هویت قومی قوی تأثیر منفی بر اعتماد سیاسی دارد. فستنتشتاین در مقاله ای با عنوان «هویت ملی، اعتماد سیاسی و حوزه عمومی» (۲۰۰۹)، نتیجه می‌گیرد که اشتراک و انسجام بالا در هویت ملی به افزایش اعتماد سیاسی برای مشارکت در حوزه عمومی می‌انجامد. ورهگن و همکاران در مقاله مشترک با عنوان «تأثیر اعتماد و اعتماد سیاسی در شهروندان اروپایی بر هویت اروپایی» (۲۰۱۵) با توجه به نتایج نظرسنجی IntUne ۲۰۰۹ در ۱۶ کشور عضو اتحادیه اروپا به این نتیجه رسیده اند که رابطه قوی بین هویت اروپایی و اعتماد به نهادهای سیاسی وجود دارد. نتیجه مطالعه مک لارن با عنوان «مهاجرت، هویت ملی و اعتماد سیاسی به دموکراسی‌های اروپایی» (۲۰۱۶)، نشان می‌دهد که افرادی که رویکرد انحصاری تر به هویت ملی دارند نسبت به نظام سیاسی یا حکومت با رویکرد سهل گیرانه به مهاجران کمترین اعتماد را داشته اند. لودن در مقاله «آموزش شهروندی، هویت ملی و اعتماد سیاسی در سوئد» (۲۰۲۰/۱۴)، به رابطه سه

موضوع، هویت ملی و شناسایی، اهمیت دموکراسی در اعتماد سیاسی و چالش‌های آموزش شهروندی پرداخته است.

نتیجه مطالعه مرادی در پایان‌نامه با عنوان «عوامل موثر بر اعتماد سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی مطالعه موردی: استان کردستان» (۱۳۹۶)، نشان می‌دهد که برخلاف تصورات رایج، مقوله‌هایی نظیر تمایزات هویتی، به‌خودی‌خود نقش مستقل چندانی در بی‌اعتمادی و چالش‌های سیاسی ندارند. پناهی و شایگان در مقاله‌ای با عنوان «اثر میزان دین‌داری بر اعتماد سیاسی» (۱۳۸۶)، اعتماد سیاسی در سه سطح نظام سیاسی، نهادهای سیاسی و کنشگران سیاسی را به روش پیمایشی در شهر تهران بررسی کرده‌اند. در این مطالعه میزان دین‌داری پاسخگویان و میزان تعهدات مذهبی مسئولان بر اعتماد سیاسی ایشان تأثیر داشته است.

جهانگیری و ابوترابی زارچی در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل عوامل مرتبط با اعتماد سیاسی دانشجویان» (۱۳۹۱) با روش پیمایش به این یافته کلی می‌رسند که متغیرهای دینداری، استفاده از رسانه‌های داخلی و رسانه‌های خارجی، عضویت در گروه‌های سیاسی - دینی، رضایت از زندگی، مذهب (شیعه) و عضویت در گروه‌های فرهنگی ۴۷ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کردند. جهانگیری و سردارنیا (۲۰۱۶) در مطالعه مشترک پیمایشی به زبان انگلیسی با عنوان «استفاده و اعتماد به رسانه‌ها و نوع حکمرانی و اعتماد سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه شیراز» به این نتیجه رسیده‌اند که رسانه‌های داخلی و خارجی (اینترنت و ماهواره‌ها) بر اعتماد سیاسی به نهادهای سیاسی و حکومت تأثیرگذار بوده‌اند با این تفاوت که در ارتباط با اینترنت و ماهواره‌ها رابطه منفی و معکوس دیده شد. در ارتباط با شاخص‌های عملکردی حکومت (احساس امنیت، قانونمندی، خدمات رسانی، پاسخگویی و اثربخشی سیاسی) و اعتماد سیاسی رابطه مثبت دیده شد اما بین احساس وجود تبعیض و فساد و اعتماد سیاسی رابطه عکس و معنادار دیده شد. نتیجه مطالعه کوشکی با عنوان «رابطه میان میزان استفاده از رسانه‌های جمعی در شهرها و اعتماد سیاسی شهروندی؛ نمونه موردی: معلمین شهرستان سبزوار» (۱۳۹۶)، با روش پیمایشی نشان داد که رابطه معکوس و منفی میان استفاده از ماهواره‌ها، فیس‌بوک و توییتر و اعتماد سیاسی معلمان وجود دارد. سردارنیا و همکاران در مطالعه مشترک با عنوان «تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی: مطالعه موردی؛ شهرهای مشهد و سبزوار» (۱۳۸۸)، به این یافته کلی می‌رسند که متغیرهای حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی مجموعاً ۴۰ درصد از واریانس متغیر وابسته اعتماد سیاسی را تبیین می‌کنند. در مجموع به دلیل نبود اثر مستقل در ارتباط با رابطه

بین هویت و اعتماد سیاسی در کرمانشاه و کم بودن آثار مستقل در ارتباط با سنجش دو متغیر یاد شده به فارسی، انجام این پژوهش ضروری به نظر رسید.

بنیان مفهومی و نظری پژوهش:

تعریف و سطوح اعتماد سیاسی^۱:

در فرهنگ آکسفورد، اعتماد به معنی باور به خوبی و صداقت دیگران و این که آنها بر اساس انتظارات شما یا به درستی عمل خواهند کرد. (قدرتی، ۱۳۸۷: ۸). اعتماد و اعتماد سازی از دغدغه های مهم دانشمندان اجتماعی برای بقای روابط اجتماعی مسالمت آمیز، تعامل حکومت و مردم یا جامعه عاری از خشونت بوده است. (Jahangiri & Sardarnia, 2016:21) اعتماد فردی و اجتماعی، جوهره و هسته اصلی سرمایه اجتماعی است، این سرمایه نیز به مثابه ظرف و بستر بزرگ اجتماعی می تواند یک عامل تعیین کننده برای اعتماد سیاسی و تعامل شهروندان و نهادهای مدنی با حکومت باشد. (Bgnasco, 2003:233) اعتماد سیاسی عبارت از میزان پذیرش و باور افراد به نهادهایی است که آنها را نمایندگی می کنند و این امر بر مشروعیت سیاسی حکومت تاثیر می گذارد. کاهش اعتماد در کوتاه مدت نمی تواند به تضعیف قابل توجه مشروعیت سیاسی انجامد اما در بلند مدت می تواند تاثیر گذار باشد و مشروعیت حکومت را با خطر مواجه سازد. (Donovan, et.al, p.1) اعتماد سیاسی به جهت گیری یا سمت گیری ذهنی مبتنی بر ارزیابی افراد از حکومت، نهادها و رهبران یا حاکمان اطلاق می شود (Schoon & Cheng, 2011:2) یا به باور و اطمینان شهروندان نسبت به درستی عملکرد یا تصمیمات حکومت و نهادها اطلاق می شود. (Jahangiri & Sardarnia, 2016:21) اعتماد سیاسی از نوع عمودی در ارتباط با حکومت و نهادها است ولی اعتماد فردی و اجتماعی از نوع افقی و هم عرض است. (سید امامی و منتظر قائم، ۱۳۹۱: ۱۸۴) اعتماد سیاسی به حکومت و نهادهای سیاسی از نشانگان مهم مشروعیت سیاسی است، میزان و سطح آن تابعی از عملکرد حکومت یا نحوه حکمرانی در سطوح سیاسی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی، شفافیت، پاسخگویی و ایجاد فرصت های عادلانه و برابر برای اقشار، نیروهای اجتماعی- سیاسی و هویت های قومی- زبانی و مذهبی گوناگون است.

دیوید ایستون سه سطح برای اعتماد قایل است که عبارتند از: ۱. اعتماد به اجتماع سیاسی (واحد سیاسی و افراد و گروه های تشکیل دهنده آن) ۲. اعتماد به رژیم (قواعد کلی حاکم بر آن) ۳. اعتماد به

¹ Political Trust

مقامات و مسئولان. در تقسیم بندی دیگر، اعتماد سیاسی را در دو سطح کلان یا سازمانی (نهادهای و سازمان ها) و در سطح خرد یعنی به مقامات حاکم تقسیم می کنند. (سید امامی و منتظری قائم، ۱۳۹۱: ۱۸۵) هانتینگتون اعتماد سیاسی را بر مبنای چگونگی مطابقت رفتار دولت با انتظار مردم تعریف می کند و با میزان حمایت مردم از نهادهای سیاسی مرتبط است، هرچقدر دولت بیشتر بتواند انتظارات مردم را برآورده سازد، بیشتر مورد اعتماد قرار می گیرد (ردادی، ۱۳۹۶: ۳۸). نوریس در تعریف اعتماد سیاسی از چهار شاخصه پشتیبانی و تایید اجتماع سیاسی مثل ملت و کشور، قانون اساسی کشور، قواعد اجرایی رژیم مثل دموکراسی و نهادهای رژیم مثل حکومت، پارلمان، قوه قضاییه نام می برد (خانباشی، ۱۳۹۰: ۲۸۱). از نظر بریتزر اعتماد سیاسی به ترتیب از سطح عام تا سطح خاص به سه قسمت اعتماد به اجتماع سیاسی، نهادهای سیاسی و کنشگران سیاسی تقسیم می شود (Bretzer, 2004: 7).

هویت اجتماعی^۱ و ابعاد گوناگون آن:

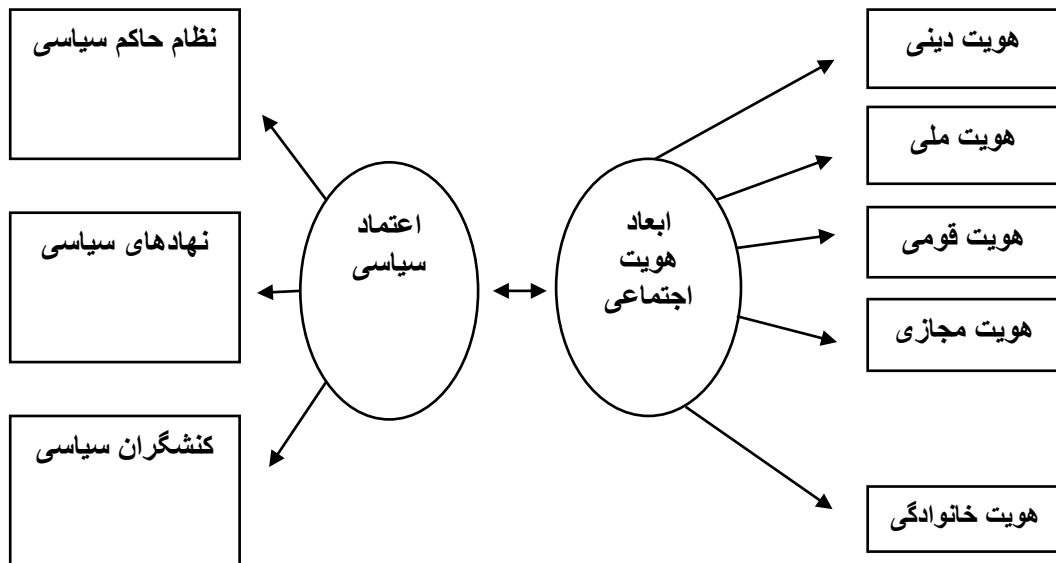
در جامعه‌شناسی، هویت مفهومی چندبعدی است. هویت مفهومی است که باعث تشخیص و شناساندن ما به دیگران در سطوح فردی، گروهی، جمعی و ملی و امروزه جهانی می شود. به نظر گیدنز انسان از طریق کنش متقابل با دیگران است که هویتش را ایجاد می کند و در جریان زندگی پیوسته آن را تغییر می دهد. هویت امر پایداری نیست، بلکه یک پدیده‌ای پویا و سیال و همواره در حال ایجاد شدن و عوض شدن می باشد (قنبرپور و همکاران، ۱۳۹۵: ۳). از نظر استوارت هال، مفهوم هویت به پدیده‌های سیال و متحرک تبدیل شده که به طور مداوم و در ارتباط با شیوه‌های بازنمایی و نظام‌های فرهنگی پیرامون ما شکل می گیرد و تغییر شکل می یابد. جنکینز معتقد است که هویت نه کاملاً ثابت است و نه سیال و یکپارچه. هویت ما از طریق ساختار اجتماعی فضای پیرامون ما شکل می گیرد و در طی فرایندی دائماً تولید و بازتولید می یابد و تغییر می کند (زلفعلی فام و ابراهیم پور، ۱۳۸۷: ۱۸۵).

هویت‌های اجتماعی گستره‌ای بزرگ از هویت‌ها را ذیل خود قرار می دهد که مهمترین آنها عبارتند از ۱. «هویت دینی»^۲ متضمن سطحی از هویت اجتماعی است که با «مای جمعی» یا همان اجتماعی دینی متناظر است و نشان دهنده احساس تعلق به دین و جامعه دینی و همچنین تعهد به دین و جامعه دینی و همچنین تعهد به دین و جامعه دینی است. (قنبری برزیان و همتی، ۱۳۹۴: ۱۱۸). ۲. «هویت

¹Social Identity

² Religious Identity

ملی^۱» که فراگیرترین نوع هویت در قالب «مای ملی» یا احساس تعلق به ملت فراگیر برورای و لحاظ همه هویت های فروملی قومی-زبانی، مذهبی، طبقاتی و غیره است. در عصر دولت های ملی، هویت های جمعی در قالب هویت های ملی معنا می یابند و می توان آن را به واسطه باور و تعهد مشترک و متقابل، قدمت تاریخی، منش فعال، وابستگی به یک قلمرو خاص و متمایز شدن از دیگر اجتماعات به واسطه فرهنگ عمومی خاص تعریف کرد. به طور کلی و در یک تعریف نهایی، هویت ملی را می توان یک حس بالنده میان مردمی دانست که به طور طبیعی به یکدیگر تعلق دارند و منافع مشترک، تاریخ مشترک و سرنوشت مشترک برخوردارند (ربانی و رستگار، ۱۳۹۲: ۳-۴). ۳. «هویت قومی^۲» در بردارنده حس تعلق و تعهد به قومیت یا جد قومی مشترک است و به سنت فرهنگی مشترک و احساس هویتی گفته می شود که یک قوم را به عنوان یک گروه فرعی از یک جامعه بزرگ تر متمایز می کند. (داوری، ۱۳۷۶: ۴۴). ۴. «هویت مجازی^۳» به هویت های برساخته و شکل گرفته در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی اینترنتی گفته می شود که دارای احساسات، افکار و دیدگاه های مشترک هستند و بر اساس آنها به تعامل، گفتگو و اقدام یا کنش روی می آورند. (پرهیز و ذوالفقاری، ۱۳۹۷: ۲۵).



مدل مفهومی پژوهش

¹National Identity

² Ethnic Identity

³ Virtual Identity

طرح فشرده چند نظریه

از آن جا که منابع اعتراضی و مقاومتی هویت قومی و مجازی در مناطق کردنشین از جمله کرمانشاه عمدتاً از نوع نارضایتی های اقتصادی است لذا در این قسمت برای جلوگیری از طولانی شدن نوشتار به صورت فشرده به چند نظریه مرتبط با سیاسی شدن هویت های قومی و تاثیر آن بر اعتماد سیاسی و تقابل آن با هویت مشروعیت بخش یا حکومتی پرداخته می شود.

کاستلز قسمت عمده جلد دوم کتاب خود «عصر اطلاعات: قدرت هویت» را به هویت های مقاومتی و برنامه دار در به چالش طلبیدن هویت های سلطه گر یا مشروعیت بخش در جامعه شبکه ای جهانی اختصاص داده است. در این کتاب، از سه نوع هویت در جامعه شبکه ای جهانی نام می برد که عبارتند از: (۱) هویت های مشروعیت بخش، این نوع هویت توسط نهادهای غالب جامعه ایجاد می شوند تا سلطه آنها را بر کنشگران اجتماعی گسترش داده و عقلانی کنند، مانند ایجاد هویت ملی و مدنی در مقابل هویت های فروملی یعنی قومی، زبانی، گروهی. (۲) هویت های مقاومتی که توسط هویت های مغلوب، برخوردار از تبعیض، محرومیت، بی عدالتی و تحت سلطه در مقابل یا علیه هویت های غالب، سلطه گر و مشروعیت بخش ایجاد می شوند، از جمله می توان به هویت های مقاومتی جنسیتی، دینی، طبقاتی، قومی، فرهنگی و زبانی اشاره کرد. (۳) هویت های برنامه دار: کنشگران جدید با استفاده از هرگونه مواد و مصالح فرهنگی موجود هویت جدیدی را می سازند که موفقیت آنان را در جامعه از نو تعریف کند و در پی تغییر شکل کل ساخت اجتماعی باشد، مصداق این هویت، هویت های فمینیستی هستند که از سنگر هویت مقاومت و دفاع از هویت زنان خارج شده تا پدر سالاری را به چالش بطلبند. لذا هویت های مقاومتی می توانند به هویت های برنامه دار تبدیل شوند. (کاستلز، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۴) در این تحقیق هویت ملی و دینی در مقوله هویت های مشروعیت بخش و هویت قومی و مجازی در شبکه های اجتماعی در زمره هویت های مقاومتی و اعتراضی محسوب شده اند. از نظر کاستلز، فرایند جهانی شدن و به تبع آن، جامعه شبکه ای به دو دلیل، به تضعیف دولت ملی و هویت ملی می انجامد. در این فرایند، دولت ملی سلطه انحصاری و تاحدودی نفوذ خود را بر ابزارهای اجبار حفظ خواهد کرد. با جهانی شدن اقتصاد و سرمایه، دولت کنترل خود را بر اقتصاد ملی تا حد زیادی از دست می دهد. با گسترش و پیشرفت رسانه های جمعی و ارتباطی، فرهنگ از حیطة دستکاری و نفوذ دولت خارج می شود و با شکل گیری شبکه ها، سازمان های جهانی و اتحادیه های منطقه ای بسیاری از حیطة های استقلال دولت در زمینه سیاست گذاری داخلی و خارجی از میان می رود و همچنین، با برجسته شدن بس یاری از هویت های خاص در

داخل کشور، سلطه دولت و نقش آن در تعریف هویت ملی به چالش کشیده می شود. از جمله این هویت ها هویت های قومی و مذهبی هستند. (قادرزاده و محمدزاده، ۱۳۹۷: ۲۶-۲۵)

یکی از رویکردهای نظری در ارتباط با تبیین نارضایتی ها و بی اعتمادی های قومی-زبانی و مذهبی، «رویکرد نهادگرا»^۱ است. این رویکرد، ناظر بر ماهیت و ساختار سیاسی-نهادی، نحوه حکمرانی حکومت و نهادهای حکومتی ملی و منطقه ای-محلی و نوع سیاست های اتخاذ شده حکومت در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در جامعه چند پاره قومی و مذهبی است که از جمله می توان به توزیع منابع و فرصت ها، نوع بهره گیری از ظرفیت ها یا پتانسیل های محلی و استانی، میزان و کم و کیف توسعه سرمایه گذاری در مناطق مرزی و راهبردها برای پایان دادن به تبعیض های سیاسی، مذهبی و قومی اشاره کرد. عدم اهتمام جدی دولت در این زمینه ها می تواند به بحران اعتماد سیاسی یا نهادی در مناطق قومی انجامد. تد رابرت گر معتقد است که عدم پاسخگویی یا پاسخگویی ضعیف حکومت ها به درخواست های اجتماعی و اقتصادی گروه های قومی می تواند منبع جدی بی اعتمادی و اعتراض های قومی باشد. (Yalcin, 1999, 136-7). مرتن با طرح «نظریه فشار» بر این باور است زمانی که نابرابری بین گروه بندی های اجتماعی بالا باشد و فرصت های نهادی و راهکار قانونی برای بیان اعتراضات و پیشبرد مطالبات نباشد، در آن صورت افراد به نهادها، نحوه حکمرانی، ساختارها و مقررات بی اعتماد می شوند و احتمال اعتراضات غیرقانونی و غیرنهادمند و خشونت آمیز بالا خواهد بود. (محمود اوغلی و اصغری نیاز، ۱۳۹۶: ۸۱) وایمر و سدرمن در مطالعات کمی و تجربی خود به این نتیجه می رسند که ضعف حکمرانی، ناپاسخگویی و ضعف عملکرد نهادی و تحمیل تبعیض ها در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی منبع مهم بی اعتمادی نهادی، تضعیف مشروعیت و خشونت طلبی قومی بوده اند. (Wimer & Cederman: 2009: 316-318) هانتینگتون بر این نظر است که در جوامع در حال توسعه، گسترش فزاینده آگاهی های سیاسی-اجتماعی اقشار و قومیت ها نسبت به ضعف و ناکارآمدی نهادی و حکمرانی و توزیع نابرابر منابع، تسهیلات، ثروت و امکانات منجر به رفتارهای خشونت بار گروهی و جمعی توسط گروه بندی های اجتماعی، قومی-زبانی و مذهبی می گردد. (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۱۱).

یکی از رویکردهای نظری مهم در تحلیل سیاسی شدن هویت ها، «نظریه توسعه نامتوازن»^۲ است. منظور از «توسعه نامتوازن»، اجرا و پیشبرد توسعه، سرمایه گذاری ها، بودجه های استانی، توزیع رفاه، ایجاد اشتغال، زیرساختها و توزیع خدمات و سایر مولفه های توسعه به شکل نابرابر، ناعادلانه و تبعیض

¹ Institutional Approach

² Uneven Development

آمیز در امتداد تقسیمات جغرافیایی - منطقه ای و مرزبندی های قومی - زبانی و مذهبی است. آنتونی اسمیت با رویکرد ساختاری - نهادی و سیاسی بر این باور است که در صورتی که فرایند توسعه از همگنی و تعادل خارج شود و جنبه تبعیض آمیز و نابرابر یا غیر عادلانه بیابد، بروز بی اعتمادی و اعتراضات قومی علیه ساختار حکومت و نهادها امکان پذیر خواهد بود. توسعه نامتوازن و تبعیض آمیز که سبب برتری برخی گروه بندی های قومی بر دیگر گروه بندی ها شود، منجر به جامعه واگرا و ناهمگرا و تضعیف شدید احساسات و تعلقات مشترک ملی می گردد و تنش های قومی را تشدید خواهد کرد. (مالشویچ، ۱۳۹۰: ۹۰-۸۸) هچتر ۱ بنیان تعارض را در نابرابری ناحیه ای و توزیع ناهمگون منابع میان مناطق و گروه بندی های قومی - زبانی و مذهبی می داند. موج نامتوازن توسعه باعث شکل گیری گروه های پیشرفته و کمتر پیشرفته قومی - زبانی می شود لذا سهم گروه های کمتر پیشرفته در رفاه، آموزش، شاخص های سلامت، سرمایه گذاری اقتصادی و مانند آن، کمتر می شود، این بستر، انگیزش نیرومند برای رهبران قدرتمند جهت همراه سازی توده های قومی ناراضی در نواحی پیرامونی توسعه نیافته فراهم می کند. (اوز کریملی، ۱۳۸۳: ۱۲۴)

نظریه «محرومیت نسبی ۲» نیز از جمله نظریه های تبیین گر و مکمل نظریه های توسعه نامتوازن در تبیین تنش های قومی - مذهبی است. تد رابرت گر ۳ در چند اثر برجسته خود همچون «چرا انسان ها شورش می کنند» و «خلق ها در برابر دولتها: اقلیت های در خطر»، با محوریت محرومیتها و تبعیض ها به ویژه در اشکال اقتصادی و اجتماعی، خشونت های سیاسی در قالب های گوناگون از جمله در شکل قومی را تشریح می کند. رابرت گر، محرومیت را در قالب فاصله بین انتظارات ارزشی و توانایی های ارزشی یا امکانات تعریف می کند. هر چقدر، فاصله بین انتظارات و امکانات بالاتر باشد، شدت محرومیت هم بالاتر خواهد بود لذا نارضایتی های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیز تشدید شده و امکان بروز خشونت های سیاسی و اجتماعی از جمله در شکل قومی - زبانی و مذهبی بتالا خواهد بود. لذا نارضایتی ناشی از محرومیت فزاینده، انگیزه و محرک کلی برای تنش های سیاسی و اجتماعی است. (گر، ۱۳۷۷: ۳۳-۳۴) البته رابرت گر، صرف وجود محرومیت را کافی برای بروز خشونت های سیاسی قومی و مذهبی نمی داند بلکه در بستر وجود محرومیت ها به عنوان شرط لازم، بر نحوه نقش آفرینی رهبران و استفاده آنها از نمادهای قومی و ایجاد و انسجام هویت قومی به عنوان شرط لازم دیگر، تاکید می کند. در

¹ Michael Hechter

² Relative Deprivation

³T.R.Gur

حقیقت، رویکرد نظری محرومیت نسبی در سطح کلان مدعی است که سطوح نابرابری اقتصادی از طریق تاثیرگذاری بر سطوح انسداد اجتماعی، منبع ساختاری و ریشه ای برای تولید فشار و ناکامی در گروه های مختلف اجتماعی، قومی و مذهبی ایجاد می کند. (محمود اوغلی و اصغری نیاز، ۱۳۹۶: ۸۰)

فرضیه های پژوهش: ۱. بین هویت دینی و اعتماد سیاسی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. ۲. بین هویت ملی و اعتماد سیاسی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. ۳. بین خانوادگی و اعتماد سیاسی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. ۴. بین هویت قومی و اعتماد سیاسی رابطه معنادار و منفی وجود دارد. ۵. بین هویت مجازی و اعتماد سیاسی رابطه معنادار و منفی وجود دارد.

روش پژوهش:

در این نوشتار روش تحقیق از نوع پیمایشی (survey method) است؛ یک پیمایش، یا به عبارت دقیق تر، یک پیمایش نمونه، تلاش دارد از طریق اطلاعاتی که از نمونه ای گویا از جامعه آماری به دست می آورد و تعمیم اطلاعات حاصل شده از نمونه به کل جامعه آماری، اطلاعات دقیقی را در مورد یک جامعه آماری کسب کند (برنم و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۲). تکنیک جمع آوری اطلاعات مورد استفاده در این پژوهش از نوع پرسش نامه است. در این پژوهش به خاطر وضعیت بیماری کرونا از توزیع الکترونیکی پرسش نامه ها از طریق شبکه های اجتماعی استفاده شد. جامعه آماری در این تحقیق را کلیه شهروندان بالا ۱۸ سال شهر کرمانشاه تشکیل می دهند. حجم نمونه این پژوهش ۲۳۰ نفر است. روش نمونه گیری از نوع تصادفی ساده بود. ابزارهای سنجش مورد استفاده در این پژوهش نرم افزارهای SPSS و AMOS بود. پس از طراحی پرسش نامه تعداد ۳۰ ن مورد توزیع شد تا اعتبار یا روایی پژوهش پیش از اجرای نهایی مشخص شود لذا برخی از گویه ها حذف و تعدادی افزوده شدند. منظور از پایایی میزان اطمینان به دقیق بودن سنجش های پژوهش است. اصولاً تمام وسایل اندازه گیری مختلف بایستی دارای یک حداقل درجه پایایی باشند تا بتوان نام وسیله اندازه گیری را به آنها اطلاق نمود. در این مطالعه برای بررسی سازگاری درونی گویه های مطرح شده در پرسش نامه از آلفای کرونباخ استفاده شد، همان طور که در جدول مشاهده می کنید همه متغیرها آلفای کرونباخ آنها بالای ۷۰ درصد است.

عنوان سنجش	تعداد گویه	مقدار ضریب آلفا کرونباخ
هویت دینی	۶	۰/۸۶۵
هویت ملی	۷	۰/۸۱۰
هویت قومی	۴	۰/۷۷۴

هویت مجازی	۵	۰/۸۴۲
هویت جهانی	۴	۰/۶۹۴
هویت خانوادگی	۴	۰/۸۳۸
اعتماد به نظام حاکم	۴	۰/۸۸۵
اعتماد به نهادهای سیاسی	۱۰	۰/۹۵۱
اعتماد به کنشگران سیاسی	۵	۰/۸۱۸

جدول شماره (۱) پایایی پژوهش

یافته‌های پژوهش:

(الف) یافته‌های توصیفی پژوهش:

در جدول زیر، داده‌های آماری توصیفی در ارتباط با سطوح گوناگون هویت، تعداد گویه‌ها، میانگین و غیره درج شده‌اند.

متغیرها	تعداد نمونه	میانگین	انحراف از معیار	کشیدگی	چولگی	تعداد گویه	حد وسط	میزان نتیجه
هویت دینی	۲۳۰	۱۹/۷۲	۵/۹۰۱	-۰/۴۷۸	-۰/۶۹۲	۶	۳	بالا
هویت ملی	۲۳۰	۲۱/۶۸	۶/۱۲۵	-۰/۱۹۷	-۰/۶۴۰	۷	۳	بالا
هویت قومی	۲۳۰	۱۴/۱۶	۳/۹۳۰	-۰/۴۶۳	-۰/۴۵۵	۴	۳	بالا
هویت مجازی	۲۳۰	۱۶/۳۱	۴/۳۴۶	۰/۰۴۶	-۰/۴۲۸	۵	۳	بالا
هویت جهانی	۲۳۰	۱۳/۷۱	۳/۱۱۵	-۰/۴۴۰	۰/۲۲۶	۴	۳	بالا
هویت خانوادگی	۲۳۰	۱۴/۱۱	۳/۶۱۱	۰/۳۵۳	-۰/۲۸۲	۴	۳	بالا
اعتماد سیاسی	۲۳۰	۴۲/۳۳	۱۵/۸۹۷	۰/۳۹۲	-۰/۳۳۰	۱۹	۳	پایین

جدول شماره (۲) داده‌های توصیفی پژوهش

بر اساس جدول ۲، میزان هویت دینی، ملی، خانوادگی، قومی، مجازی و جهانی بالاتر از سطح متوسط است اما میزان اعتماد سیاسی در سطح پایین‌تر از سطح متوسط است. همچنین میزان کشیدگی و چولگی داده‌ها بین بازه‌ی ۲- تا ۲ می‌باشد می‌توان گفت که متغیرهای پژوهش از توزیع نرمال آماری پیروی می‌کنند.

(ب) یافته‌های استنباطی:

آمار استنباطی ویژگی‌های یک جمعیت آماری را از مطالعه همان ویژگی در یک نمونه آماری استنباط می‌کند. به عبارت دیگر در آمار استنباطی تعمیم‌پذیر نتایج به دست آمده از یک نمونه نسبت به

جمعیت مورد بررسی قرار می‌گیرد (خیر و سامانی، ۱۳۸۱: ۴۲). در این تحقیق از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره گام‌به‌گام و معادلات ساختاری تراکم کلی استفاده شده است.

- یافته‌ها بر اساس آماره همبستگی پیرسون:

ضریب همبستگی پیرسون شاخص است که نوع رابطه، جهت رابطه، مقدار و میزان رابطه را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی پیرسون زمانی به کار می‌رود که متغیرهای تحقیق در سطح فاصله‌ای باشند. مقدار یا میزان این شاخص بین +۱ و -۱ متغیر است، تفاوت این مقدار در جهت رابطه آن‌ها است، به این معنا که -۱ رابطه معکوس و +۱ رابطه مستقیم را نشان می‌دهد برای معنی‌دار شدن رابطه، ضریب معناداری باید زیر ۰/۰۵ باشد.

فرضیه نخست) بین هویت دینی و اعتماد سیاسی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد.

ضریب همبستگی	جهت	معناداری
۰/۵۶۹	+	۰/۰۰۰

جدول شماره (۳) بررسی رابطه پیرسون بین هویت دینی و اعتماد سیاسی

بر اساس جدول بالا با ضریب معناداری (۰/۰۰۰) رابطه معنادار بالایی بین دو متغیر هویت دینی و اعتماد سیاسی وجود دارد. جهت رابطه مثبت (مستقیم) است؛ یعنی با افزایش هویت دینی، اعتماد سیاسی افزایش پیدا می‌کند؛ و همچنین با کاهش هویت دینی، اعتماد سیاسی کاهش می‌یابد؛ بنابراین فرضیه تایید می‌شود. این یافته با یافته‌های برخی تحقیق‌ها همسو است. در مطالعه جهانگیر جهانگیری و فاطمه ابوترابی زارچی (۱۳۹۱) نیز بین دین‌داری با اعتماد سیاسی رابطه معنادار و مستقیم نشان داده شد.

فرضیه دوم) بین هویت ملی و اعتماد سیاسی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد.

ضریب همبستگی	جهت	معناداری
۰/۶۱۵	+	۰/۰۰۰

جدول شماره (۴) بررسی رابطه پیرسون بین هویت ملی و اعتماد سیاسی

بر اساس جدول بالا با ضریب معناداری (۰/۰۰۰) رابطه معنادار بالایی بین دو متغیر هویت دینی و اعتماد سیاسی وجود دارد. جهت رابطه مثبت (مستقیم) است؛ یعنی با افزایش هویت ملی، اعتماد سیاسی افزایش پیدا می‌کند؛ و با کاهش هویت ملی، اعتماد سیاسی کاهش می‌یابد؛ بنابراین فرضیه اثبات می‌شود. این نتیجه با یافته‌های پایان‌نامه کورش بدری (۱۳۹۷) همسو است یعنی بین هویت ملی و اعتماد دانشجویان دانشگاه شیراز به نهادهای سیاسی رابطه معنادار و مستقیم مثبت دیده شد.

فرضیه سوم) بین هویت خانوادگی و اعتماد سیاسی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد.

ضریب همبستگی	جهت	معناداری
۰/۳۰۹	+	۰/۰۰۰

جدول شماره (۵) بررسی رابطه پیرسون بین هویت خانوادگی و اعتماد سیاسی

بر اساس جدول بالا با ضریب معناداری (۰/۰۰۰) رابطه معناداری بین دو متغیر هویت خانوادگی و اعتماد سیاسی وجود دارد، جهت رابطه مثبت (مستقیم) است یعنی با افزایش هویت خانوادگی، اعتماد سیاسی افزایش پیدا می‌کند و با کاهش هویت خانوادگی، اعتماد سیاسی کاهش می‌یابد بنابراین فرضیه تایید می‌شود. نتیجه این مطالعه با مطالعه سردارنیا و همکاران (۱۳۸۸) در مورد تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی در مشهد و سبزوار همسو است.

فرضیه چهارم) بین هویت قومی و اعتماد سیاسی رابطه معنادار و منفی وجود دارد.

ضریب همبستگی	جهت	معناداری
۰/۱۴۷	-	۰/۰۲۶

جدول شماره (۶) رابطه پیرسون بین هویت قومی و اعتماد سیاسی

بر اساس جدول بالا با ضریب معناداری (۰/۰۲۶) رابطه معناداری بین دو متغیر هویت قومی و اعتماد سیاسی وجود دارد؛ اما جهت رابطه منفی (معکوس) است؛ یعنی با افزایش هویت قومی، اعتماد سیاسی کاهش می‌یابد و با کاهش هویت قومی، اعتماد سیاسی افزایش می‌یابد؛ بنابراین فرضیه تایید می‌شود.

فرضیه پنجم: بین هویت مجازی و اعتماد سیاسی رابطه معنادار و منفی وجود دارد.

ضریب همبستگی	جهت	معناداری
۰/۱۶۶	-	۰/۰۱۲

جدول شماره (۷) بررسی رابطه پیرسون بین هویت مجازی و اعتماد سیاسی

بر اساس جدول بالا با ضریب معناداری (۰/۰۱۲) رابطه معناداری بین دو متغیر هویت مجازی و اعتماد سیاسی وجود دارد اما جهت رابطه منفی (معکوس) است؛ یعنی با افزایش هویت مجازی، اعتماد سیاسی کاهش می‌یابد و با کاهش هویت مجازی، اعتماد سیاسی افزایش می‌یابد بنابراین فرضیه تایید می‌شود.

رگرسیون چند متغیری گام به گام:

در واقع در رگرسیون گام به گام (stepwise) تمامی متغیرهای مستقل وارد نرم افزار می شوند.

متغیرها	R	R2	R2.Ad	B	خطای استاندارد	Beta	T	sig
هویت ملی	۰/۶۱۵	۰/۳۷۸	۰/۳۷۵	۱/۵۹۵	۰/۱۳۶	۰/۶۱۵	۱۱/۷۶۵	۰/۰۰۰
هویت دینی	۰/۶۶۵	۰/۴۴۳	۰/۴۳۸	۰/۸۵۱	۰/۱۶۵	۰/۳۱۶	۵/۱۵۰	۰/۰۰۰
هویت خانوادگی	۰/۶۷۳	۰/۴۵۲	۰/۴۴۵	۰/۴۵۳	۰/۲۲۹	۰/۱۰۳	۱/۹۷۸	۰/۰۴۹
هویت قومی	۰/۶۸۰	۰/۴۶۲	۰/۴۵۲	-۰/۴۰۲	۰/۲۰۰	-۰/۰۹۹	-۲/۰۰۷	۰/۰۴۶

جدول شماره (۸) رگرسیون گام به گام

تحلیل رگرسیون چندمتغیره ی گام به گام برای پیش بینی متغیر وابسته اعتماد سیاسی است. باتوجه به نتایج جدول می توان گفت که از بین شش متغیر مستقلی که وارد رگرسیون چندمتغیره شده اند، چهار متغیر باقی ماندند که به ترتیب عبارت اند از: هویت های دینی، ملی، قومی و خانوادگی. این چهار متغیر در مجموع ۴۵ درصد از متغیر وابسته یعنی اعتماد سیاسی را تبیین می کنند، بنابراین ۵۵ درصد تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیرهای دیگری تبیین می شوند که در این تحقیق مدنظر نبوده اند. باتوجه به نتایج آزمون باید گفت که ضریب همبستگی کلی این چهار متغیر در مجموع برابر با ۰/۶۸۰ است. مقادیر به دست آمده بنا، بیانگر آن است که رابطه هویت قومی با متغیر وابسته یعنی اعتماد سیاسی از نوع منفی و غیرمستقیم و هویت های ملی، هویت و خانوادگی از نوع مثبت و مستقیم و معنادار بودند.

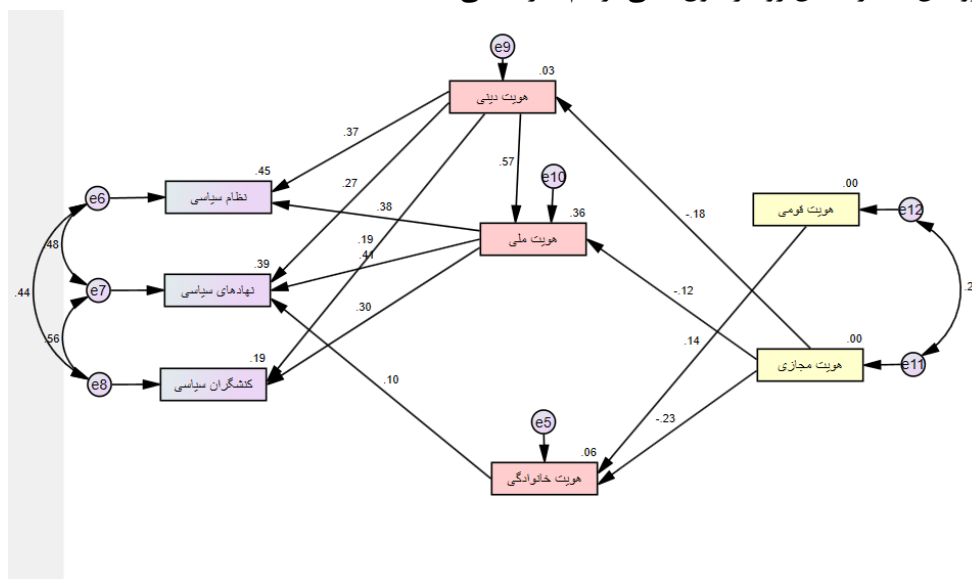
تحلیل بر اساس معادلات ساختاری

پایه اصلی مدل سازی معادلات ساختاری و تحلیل مسیر بر مبنای رگرسیون قرار دارد؛ برای این منظور معناداری ضریب هر رابطه تعریف شده در مدل مورد توجه قرار می گیرد. در خروجی Amos بخش دیگری از خروجی ها به معناداری این روابط رگرسیونی می پردازد، بنا به مدل مفهومی، یک رابطه علی ادعا شده است. البته مدل های تحلیل مسیر و معادلات ساختاری خود به چند دسته تقسیم می شوند. در واقع برای آزمون فرضیه های پژوهش از طریق روش مدلیابی معادلات ساختاری و تحلیل مسیر، سه رویکرد در دسترس پژوهشگران است. رویکرد اول «تراکم سازی کلی»^۱ نام دارد که در آن از نمره کل یک متغیر به عنوان نشانگر متغیر استفاده می شود. این رویکرد در ایران به نام تحلیل مسیر مشهور شده است. رویکرد دوم «تراکم سازی جزئی»^۲ نام دارد که از مؤلفه های پرسش نامه به عنوان

¹ Total aggregation

² Partial aggregation

نشانه‌های متغیر مکنون استفاده می‌شود. رویکرد سوم «نامتراکم سازی کلی»^۱ نام دارد که از سؤالات پرسش‌نامه به‌عنوان نشانه‌های متغیرهای مکنون استفاده می‌شود. (Vieira, A.L.2011) در این پژوهش، بنا بر اساس رویکرد اول یعنی تراکم سازی کلی است.



مدل پژوهش

در قالب معادلات ساختاری، ۴۵ درصد از متغیر وابسته یعنی اعتماد به‌نظام سیاسی (سطح کلان) و ۳۹ درصد از متغیر اعتماد به نهادهای سیاسی (سطح میانی) و نیز ۱۹ درصد از متغیر اعتماد به کنشگران سیاسی و حکومتی (سطح خرد) توسط متغیرهای مستقل و متغیرهای واسطه‌ای تبیین گردیدند. رابطه علی در قالب معادلات ساختاری دارای ضرایب رگرسیون است که در جدول زیر آورده شده است.

متغیر	جهت	متغیر	برآورد	S.E	C.R	sig	Beta
هویت مجازی	←	هویت دینی	-۰/۲۴۸	۰/۰۹۰	-۲/۷۵۰	۰/۰۰۶	-۰/۱۷
هویت قومی	←	هویت خانوادگی	۰/۱۲۸	۰/۰۶۰	۲/۱۲۶	۰/۰۳۴	۰/۱۳
هویت مجازی	←	هویت ملی	-۰/۱۷۵	۰/۰۷۷	-۲/۲۶۰	۰/۰۲۴	-۰/۱۲
هویت مجازی	←	هویت خانوادگی	-۰/۱۹۴	۰/۰۵۶	-۳/۴۸۵	۰/۰۰۰	-۰/۲۲
هویت ملی	←	نهادهای سیاسی	۰/۶۱۰	۰/۰۹۵	۶/۴۲۷	۰/۰۰۰	۰/۴۱
هویت ملی	←	کنشگران سیاسی	۰/۲۰۸	۰/۰۵۲	۴/۰۱۶	۰/۰۰۰	۰/۲۹

¹ Total disaggregation

سنجش و تحلیل رابطه بین هویت و ...؛ سردارنیا و بدری

۰/۰۹	۰/۰۱۶	۲/۴۰۶	۰/۱۰۲	۰/۲۴۶	نهادهای سیاسی	←	هویت خانوادگی
۰/۳۷	۰/۰۰۰	۶/۱۶۸	۰/۰۴۴	۰/۲۷۰	نظام سیاسی	←	هویت دینی
۰/۳۷	۰/۰۰۰	۴/۲۲۳	۰/۰۹۹	۰/۴۱۶	نهادهای سیاسی	←	هویت دینی
۰/۳۷	۰/۰۰۰	۶/۲۵۱	۰/۰۴۲	۰/۲۶۴	نظام سیاسی	←	هویت ملی
۰/۱۹	۰/۰۱۰	۲/۵۸۹	۰/۰۵۴	۰/۱۳۹	کنشگران سیاسی	←	هویت دینی

جدول شماره (۹) ضرایب مسیر (تأثیر غیر مستقیم و با واسطه)

همان گونه که اطلاعات جدول نشان می‌دهد تمام روابط فوق معنادار هستند. هویت مجازی که در این مطالعه در کنار هویت قومی به عنوان هویت مقاومت و برنامه‌دار در نظر گرفته شده است دارای تأثیر منفی و معناداری بر هویت‌های مشروعیت بخش (هویت ملی، هویت دینی، هویت خانوادگی) داشته است اما تأثیر هویت قومی در شکل غیرمستقیم به عنوان جزء دیگر هویت مقاومتی (بر خلاف آماره پیرسون که دارای تأثیر منفی و مستقیم بر اعتماد سیاسی بود) در مدل ساختاری و تحلیل مسیر در ترکیب با هویت خانوادگی (به عنوان هویت مداخله‌گر مشروعیت بخش و تایید کننده اعتماد سیاسی به نظام سیاسی) از نوع منفی نشان داده نشد. بنابراین در تحلیل مسیر، به جز هویت مجازی در شبکه‌های اجتماعی و اعتماد به این شبکه‌ها (که تأثیر منفی بر اعتماد به نظام و نهادهای سیاسی و کنشگران حکومتی نشان داد) متغیر مقاومتی هویت قومی در کنار سایر متغیرهای مربوط به هویت‌های مشروعیت بخش (ملی، دینی و خانوادگی) دارای تأثیر مثبت بر متغیرهای اعتماد سیاسی بودند.

تأثیرگذار	هویت مجازی	هویت قومی	هویت دینی	هویت خانوادگی	هویت ملی
تأثیرپذیر					
هویت دینی	-۰/۱۷۷	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
هویت خانوادگی	-۰/۲۲	۰/۱۳	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
هویت ملی	-۰/۱۲	۰/۰۰	۰/۵۶	۰/۰۰	۰/۰۰
نظام سیاسی	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۷	۰/۰۰	۰/۳۷
کنشگران سیاسی	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۱۹	۰/۰۰	۰/۲۹
نهادهای سیاسی	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۲۷	۰/۰۹	۰/۴۱

جدول شماره (۱۰) تأثیرات مستقیم

در تأثیر مستقیم نیز همانند رابطه غیر مستقیم یا تحلیل مسیر، هویت مجازی (تعلق به شبکه‌های اجتماعی) دارای تأثیر منفی بر هویت‌های مشروعیت بخش (ملی، خانوادگی و دینی) بود اما هویت قومی دارای تأثیر مثبت بر هویت خانوادگی بود اما بر اعتماد سیاسی تأثیری نداشت.

نتیجه گیری و تحلیل یافته ها

بر اساس داده های کمی و آماری استنباطی حاصل از همبستگی پیرسون، تمام فرضیه های این پژوهش تایید شدند. رابطه و همبستگی بین سه متغیر مستقل (از نوع هویت های مشروعیت بخش در تقسیم بندی کاستلز) یعنی هویت های دینی، ملی و خانوادگی با متغیر وابسته اعتماد سیاسی در سه سطح نظام سیاسی، نهادها و کنشگران سیاسی حکومتی در شکل مثبت و معنادار بود؛ به این معنی که با افزایش میزان و احساس تعلق به هر یک از این متغیرها، میزان اعتماد سیاسی در بین پاسخ گویان جامعه آماری (شهرستان کرمانشاه) افزایش می یابد و با کاهش آنها، سطح اعتماد سیاسی کاهش می یابد. رابطه بین دو متغیر مستقل (در زیرمجموعه هویت مقاومتی و اعتراضی) یعنی هویت قومی و مجازی یا شبکه های اجتماعی اینترنتی با اعتماد سیاسی در هر سه سطح در آماره همبستگی پیرسون، از نوع منفی بود و به لحاظ آماری معنادار بود؛ به این معنی که با افزایش میزان احساس تعلق به این دو نوع هویت مقاومتی و اعتراضی، به همان نسبت از سطح اعتماد سیاسی پاسخگویان کرمانشاهی کاسته می شود و بالعکس، یعنی با کاهش احساس تعلق به این دو نوع هویت، اعتماد سیاسی افزایش می یابد. بر اساس داده های حاصل از رگرسیون و مدل ساختاری با روش تحلیل مسیر، همانند همبستگی پیرسون چهار فرضیه تایید شد اما فرضیه مربوط به رابطه منفی بین هویت قومی با اعتماد سیاسی تایید نشد. در دو آماره یاد شده، رابطه هویت مجازی یا شبکه های اجتماعی اینترنتی با اعتماد سیاسی چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم با وارد کردن هویت های مشروعیت بخش مداخله گر مانند هویت خانوادگی و دینی، در شکل منفی و معنادار تایید شد.

همراستا با یافته های این مطالعه، می توان به مطالعه قادرزاده و محمدزاده (۱۳۹۷) اشاره کرد. آن دو در یک مطالعه پیمایشی با حجم نمونه ۱۱۰۰ نفر از مناطق کرد نشین، زمینه های سیاسی شدن هویت قومی کرد را بررسی کرده اند. یافته کلی این مطالعه نشان می دهد که هویت طلبی قومی در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در مناطق کرد نشین شدت یافته است. مهمترین عوامل در این ارتباط از دید کردهای مورد مطالعه عبارتند از: سطح پایین توسعه اقتصادی - اجتماعی مناطق کرد نشین، همبستگی قومی فزاینده کردها، میزان الگوپذیری از نخبگان قومی، میزان ارتباطات درون قومی، احساس محرومیت و تبعیض و نیز هم جواری جغرافیایی مناطق کرد نشین. این عوامل یا متغیرها در مجموع، ۶۷ درصد از متغیر وابسته تشدید هویت طلبی قومی را تبیین می کنند. نتیجه مطالعه مرادی و دلاوری (۱۳۹۸) در ارتباط با استان کردستان، نشان می دهد که هویت قومی (کردی) بر اعتماد سیاسی تأثیر

منفی داشته است. باتوجه به نزدیکی جغرافیایی این دو استان و مشترک بودن هویت قومی کردی در دو استان، می توان همسویی بین این یافته در دو پژوهش را بیان کرد.

در ارتباط با متغیر هویت قومی کرد باید گفت که گرچه رابطه آن با اعتماد سیاسی در بین پاسخگویان کرد کرمانشاهی از نوع منفی و معنادار بوده است اما شدت منفی بودن بالا نبوده است با این وجود، این باید به عنوان یک نشانه چالش حکمرانی و اعتماد سیاسی یا عامل تضعیف کننده مشروعیت سیاسی تاسیسی و عملکردی حکومت تلقی شود و برای تالیف قلوب و بازیابی اعتماد رو به کاهش و مشروعیت، بایستی اهتمام جدی از زاویه اصلاح سیاست ها، روش ها و راهبرد های توسعه، توزیعی و عملکردی صورت گیرد. همچنان که اشاره شد مطالعه قادرزاده و محمدزاده (۱۳۹۷) نشان داد که عواملی همچون احساس تبعیض اقتصادی، مذهبی و سیاسی در بین کردها به ویژه کردهای سنی در کرمانشاه و کردستان، همبستگی های درون قومی و برون قومی، اشتراکات جغرافیایی، اطلاعات و روشنگری ناشی از رسانه ها و نشریات قومی به زبان کردی، سطح پایین توسعه در مناطق کرد نشین و عوامل دیگر در افزایش هویت طلبی قومی، سیاسی شدن و بعضا کنش های اعتراضی قومی تاثیر گذار بوده اند که در صورت عدم اهتمام جدی، احتمال افزایش هویت طلبی و رادیکالیسم رفتاری بالا خواهد بود.

در بین کردها در مناطق کردنشین صرف نظر از تعلقات مذهبی، عامل مهم مشترک تاثیرگذار بر بی اعتمادی سیاسی اولیه، نارضایتی ها و عوامل اقتصادی هستند که مشروعیت عملکردی حکومت را نشانه گرفته است. اما کردهای سنی بر اساس مطالعه قادرزاده و محمدزاده (۱۳۹۷)، علاوه بر عوامل اقتصادی و توسعه نیافتگی یا کمتر توسعه یافتگی، تبعیض های فرهنگی - مذهبی و سیاسی نیز بر میزان پایین اعتماد سیاسی اشان به حکومت و نهادهای سیاسی و کنشگران حکومتی ملی و محلی تاثیر گذار بوده اند. نتیجه مطالعه توسلی و جمال ادهمی (۱۳۹۱) در ارتباط با شهر سنندج نیز نشان داد که به ترتیب جامعه پذیری و ارتباطات فکری و نگرشی به روش قومی، احساس تبعیض قومی و حافظه و همبستگی تاریخی و قومی در حد ۳۴ درصد بر هویت قومی کردی و نارضایتی های کردهای این شهر تأثیر گذار بوده است. همچنین می توان به نتیجه مشابه مطالعه رجبلو و حسین پناهی در ارتباط با دانشجویان کردستان (۱۳۹۶) با یافته های این مطالعه و سایر مطالعات ذکر شده اشاره کرد، بر این اساس، هر چه میزان هویت و همبستگی قومی افزایش یابد به همان نسبت احساس تعلق ملی و اعتماد سیاسی دانشجویان کرد به نظام سیاسی کاهش می یابد.

بنابراین دلیل اصلی تأثیر منفی هویت قومی کردی بر کاهش اعتماد سیاسی در شهر کرمانشاه را در عوامل اقتصادی می توان یافت. باتوجه به آمارهای منتشر شده سال ۱۳۹۹ در استان کرمانشاه (اقتصاد

آنلاین)، استان کرمانشاه با ۴۰ درصد تورم بالاترین میزان تورم را در بین استان‌های ایران داراست. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، نرخ تورم ۱۲ ماهه منتهی به فروردین‌ماه ۱۴۰۰ برای خانوارهای کشور به عدد ۳۸/۹ درصد رسید. بر اساس این گزارش، بیشترین نرخ تورم ۱۲ ماهه با ۴۲/۹ درصد مربوط به استان کرمانشاه و کمترین نرخ هم با ۳۵/۸ درصد مربوط به استان قم است. (خبرگزاری ایرنا، ۱۴۰۰) همچنین میزان بیکاری در این استان در ۱۳۹۹ برابر با ۱۸/۸ درصد بود که پس از کردستان دارای رتبه دوم است. چنین شاخص‌های منفی اقتصادی می‌تواند به احساس غیر خودی و بیگانگی از بقیه جامعه در بین کردها انجامیده و تشدید شود. (خبرگزاری ایرنا ۱۴۰۰)

در این تحقیق، میزان اتکا و اعتماد به شبکه‌های اجتماعی تحت عنوان هویت مجازی، در هر دو آماره رگرسیون و پیرسون چه به صورت مستقیم و چه غیر مستقیم بر اعتماد سیاسی پاسخگویان کرمانشاهی به ویژه با احساس تعلق بالا به هویت قومی کرد تاثیر منفی داشته است. همراستا با یافته این پژوهش می‌توان به مطالعه قادرزاده و محمدزاده (۱۳۹۷) اشاره کرد که در کنار منابع داخلی یاد شده در سطرهای بالا، رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی در هویت یابی مجازی کردها، تشدید هویت طلبی و سیاسی شدن هویت قومی کرد تاثیرگذار بوده‌اند. یافته‌های این مطالعه در ارتباط با هویت مجازی یا شبکه‌ای با مطالعه کوشکی (۱۳۹۶)، مبنی بر رابطه معکوس و منفی میان استفاده از ماهواره و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و اعتماد سیاسی معلمان در سبزوار همسو است. نتیجه این مطالعه با مطالعه سردارنیا، بدری و امینی زاده (۱۴۰۰) در ارتباط با دانشجویان دانشگاه شیراز همسو است. بر اساس این مطالعه، شبکه‌های اجتماعی در حد ۲۳ درصد بر کاهش اعتماد به عوامل اعتماد اجتماعی به ویژه هویت ملی و در حد ۱۴ درصد بر کاهش اعتماد نهادی به نهادهای حاکمیتی تاثیرگذار بوده‌اند.

اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به صورت ابتدا به ساکن بر بی اعتمادی سیاسی به نهادهای حکومتی یا نظام سیاسی نمی‌انجامد لذا باید تاثیر هویت مجازی شکل گرفته در شبکه‌های اجتماعی و اعتماد به محتوای اطلاعاتی آنها را در بستر نارضایتی‌ها و تبعیض‌های اقتصادی، مذهبی و سیاسی موجود باید تبیین و تحلیل کرد. در حقیقت، در چارچوب نظریه‌های بازتاب‌گرا باید گفت که رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی عمدتاً با بازتاب و چالش افکنی پیرامون نارضایتی‌ها می‌توانند در بی اعتماد سازی و آسیب پذیر سازی نهادهای ملی و محلی حکومتی تاثیرگذار باشند.

بنابراین بر اساس داده‌ها و یافته‌های کمی این پژوهش و تایید فرضیه‌ها می‌توان گفت که نظریه‌های نهادگرا، محرومیت نسبی و توسعه نامتوازن در همبستگی و ارتباط منفی هویت قومی با اعتماد سیاسی در سه سطح نظام سیاسی، نهادهای حکومتی و مقامات یا کنشگران حکومتی از قدرت تبیین

کنندگی و تایید برخوردار بوده اند. از آنجا که شبکه های اجتماعی در بستر نارضایتی های اقتصادی و بعضا مذهبی و سیاسی موجود با کارکردهایی همچون اطلاع رسانی، روشنگری، تحریک احساسات، ارتباط فعالان کرد با توده مردم، هویت یابی کردی و تحریک برخی اعتراضات خیابانی بر کاهش اعتماد سیاسی در افراد با احساس تعلق بالا به هویت قومی کردی در کرمانشاه تاثیر قابل توجهی داشته اند لذا این نظریه ها در ارتباط با شبکه های اجتماعی نیز تایید می شوند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اوز کریملی، اموت (۱۳۸۳). *نظریه‌های ناسیونالیسم*، ترجمه محمدعلی قاسمی، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- بدری، کورش (۱۳۹۷). *رابطه بین شبکه‌های اجتماعی با اعتماد نهادی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شیراز)*، کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز
- برنم، پیتر و دیگران (۱۳۹۰). *روش تحقیق در علوم سیاسی*، ترجمه میترا راه نجات، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- پرهیز، علی؛ ذوالفقاری، ابوالفضل (۱۳۹۷). «بررسی مقایسه‌ای هویت واقعی و مجازی افراد (مورد مطالعه: جوانان شهر یاسوج)»، *فصلنامه مدیریت اطلاعات*، دوره چهارم، شماره ۲، صص ۲۱ - ۴۴.
- پناهی، محمدحسین و شایگان، فریبا (۱۳۸۶). «تأثیر میزان دین‌داری بر اعتماد سیاسی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، دوره، شماره ۳۷، صص ۷۳ - ۱۰۸.
- توسلی، غلام عباس؛ ادهمی، جمال (۱۳۹۱). «حافظه تاریخی، هویت قومی و جهانی‌شدن: پژوهش‌های بین‌نسلی در شهر سنج» *فصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، سال سوم، شماره ۲، صص ۷ - ۳۷
- جهانگیری، جهانگیر؛ ابوترابی زارچی، فاطمه (۱۳۹۱). «تحلیل عوامل مرتبط با اعتماد سیاسی دانشجویان (پیمایشی در میان دانشجویان دانشگاه شیراز)»، *فصلنامه دانش سیاسی*، دوره هشتم، شماره ۲، صص ۵ - ۲۲.
- خانباشی، محمد (۱۳۹۰). «تأثیر عوامل اقتصادی بر سطح اعتماد سیاسی»، *فصلنامه راهبرد*، سال بیستم، شماره ۶۱، صص ۲۷۷ - ۳۱۵.
- خبرگزاری ایرنا (۱۴۰۰) www.irna.ir/news/
- خیر، محمد؛ سامانی، سیامک (۱۳۸۱). *مقدمه‌ای بر سنجش و اندازه‌گیری*، چاپ اول، شیراز: انتشارات ملک سلیمان.
- داوری، رضا (۱۳۷۶)، *ناسیونالیسم و انقلاب*، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات ملی.
- رجبلو، قنبرعلی؛ حسین پناهی، حلیمه (۱۳۹۶). «هویت قومی و توسعه‌یافتگی سیاسی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه کردستان در سال تحصیلی ۹۴ - ۹۵)»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال دهم، شماره ۱، صص ۲۵ - ۴۶.
- رداد، محسن (۱۳۹۶). «تقوای سیاسی و اعتماد سیاسی: مقایسه ظرفیت اعتمادسازی مردم‌سالاری دینی و لیبرال دموکراسی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج*، سال بیستم، شماره ۷۶، صص ۳۵ - ۵۷.
- زلفعلی فام، جعفر و ابراهیم‌پور، داود (۱۳۸۷). «بررسی تأثیر صنعت فرهنگ بر هویت اجتماعی با تأکید بر شبکه‌های ماهواره‌ای»، *فصلنامه وسایل ارتباط جمعی رسانه*، دوره نوزدهم، شماره ۴، صص ۱۷۵ - ۲۰۱.

- سردار نیا، خلیل‌الله، (۱۳۸۶). «آثار سیاسی فناوری‌های تازه ارتباطی - اطلاعاتی»، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره دویست و چهل پنجم و دویست و چهل و ششم، صص ۱۰۴ - ۱۱۹
- سردارنیا، خلیل‌الله؛ بدری، کوروش و امینی زاده، سینا (۱۴۰۰). «رابطه بین شبکه های اجتماعی و اعتماد نهادی، مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شیراز»، پژوهش های راهبردی سیاست، دوره ۱۰، شماره ۳۶، بهار، صص ۹۹-۱۲۵.
- سردارنیا، خلیل‌الله و همکاران (۱۳۸۸)، «تأثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی: مطالعه موردی؛ شهرهای مشهد و سبزوار»، فصلنامه پژوهش‌نامه علوم سیاسی، دوره پنجم، شماره ۱۷، صص ۱۳۵ - ۱۶۵.
- سید امامی، کاووس؛ منتظری مقدم، رضا (۱۳۹۱). «نقش فرهنگ اعتماد و عملکرد نهادهای سیاسی در ایجاد اعتماد سیاسی: بررسی پیمایشی دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره ۴، صص ۱۸۹-۲۱۶.
- قادرزاده، امید و محمد زاده، حسین (۱۳۹۷). «مطالعه پیمایشی هویت طلبی قومی و سیاسی شدن قومیت‌های کرد ایران»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۰، بهار، صص ۱۹-۴۲.
- قاسمی، وحید (۱۳۹۲). مدل‌سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد **Amos graphics**، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- قدرتی، حسین (۱۳۸۷). بررسی تعیین‌کننده‌های بین نسلی و درون نسلی اعتماد اجتماعی در سبزوار و مشهد، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- قنبرپور، مرجان و همکاران (۱۳۹۵). «ارائه مدلی یکپارچه از تعریف و ابعاد هویت مکان و تعیین شاخص‌های سازنده هویت؛ نمونه مورد مطالعه: ساکنین شهر شیراز»، ماهنامه شباک، سال دوم، شماره ۴ - ۵، صص ۱ - ۱۹.
- قنبری برزیان، علی؛ همتی، رضا (۱۳۹۴). «هویت دینی در جامعه ایرانی: مرور نظام‌مند مطالعات انجام شده (۱۳۸۰ - ۱۳۹۲)»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره بیست و ششم، شماره ۳، صص ۱۱۷ - ۱۳۸.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات، جلد اول و دوم، ترجمه احمد علیقلیان، تهران: نشر طرح نو.
- کوشکی، امین (۱۳۹۶). «بررسی رابطه میان میزان استفاده از رسانه‌های جمعی در شهرها و اعتماد سیاسی شهروندی؛ نمونه موردی: معلمین شهرستان سبزوار»، فصلنامه مدیریت شهری، دوره ۴۶، شماره ۴۷، صص ۱۶۵ - ۱۳۸.
- مالشویچ، سینیشا (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی قومیت، ترجمه پیروز دلیرپور، تهران: نشر آمه.
- محموداغلی، رضا و اصغری نیاز، یعسوب (۱۳۹۶). «بررسی عوامل موثر بر خشونت سیاسی مطالعه موردی: جمعیت بلوچ شهر زاهدان»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ششم، شماره ۲۱، تابستان، شماره پیاپی ۵۱، صص ۷۳-۹۶.

مرادی، سالار (۱۳۹۶). عوامل مؤثر بر اعتماد سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: استان کردستان)، دکترا، دانشگاه علامه طباطبائی.

مرادی، سالار و دلاوری، ابوالفضل (۱۳۹۸). «سنجش اعتماد سیاسی و عوامل مؤثر بر آن در استان کردستان»، فصلنامه پژوهش های راهبری سیاست، سال هشتم، شماره ۲۹، صص ۸۱ - ۱۱۰.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.

ب) منابع انگلیسی

- Bagnasco, Arnaldo. "Trust and Social Capital", in Kate Nash and Alan Scott (eds), *The Blackwell Companion to Political Sociology*, Blackwell Publishing.
- Berg, L., & Hjerm, M. (2010). National identity and political trust. *Perspectives on European Politics and Society*, 11(4), 390-407.
- Bretzer, Y. N. (2004). How can institutions better explain political trust than social capital does?. *University of Gothenburg*.
- Donovan, T & et.al. "Trust in Government: The Unites States in Comparative Perspective", www.edudonoat/trust.PDF.
- Festenstein, M. (2009) National identity, political trust and the public realm, *Critical Review of International Social and Political Philosophy*, 12:2, 279-296.
- Jahangiri, J. & Sardarnia, K.A. (2016). Using and Trusting in Media, Type of Governance and the Political Trust of University Students: A Case Study. *J. Politics. & Law*. 9, 20.
- Lödén, H. (2014). Citizenship education, national identity and political trust: The case of Sweden. *Nordidactica: Journal of Humanities and Social Science Education*, (2014: 2), 116-136.
- McLaren, L. (2017). Immigration, national identity and political trust in European democracies. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 43(3), 379-399.
- Schoon, Ingrid & Cheng, Helen. (2011). "Determinants of Political Trust", *Developmental psychology*, Vol.47, No.3.
- Verhaegen, S., Hooghe, M., & Quintelier, E. (2017). The effect of political trust and trust in European citizens on European identity. *European Political Science Review*, 9(2), 161-181.
- Vieira, A.L. (2011). *Interactive LISREL in Practice: Getting Started with SIMPLIS Approach*, New York: Springer.
- Wimmer, Andreas & Cederman, Lars-Erik. (2009). "Ethnic Politics and Armed Conflict", *American Sociological Review*, Vol.74, No.2, pp316-337.
- Yalcin, Demet. (1999). *Exploring path to Peace with Democratic Institutions*, Ph. D Dissertation, State University of New York. (1999).